

سوره «توبه» (۹)

محتوای سوره

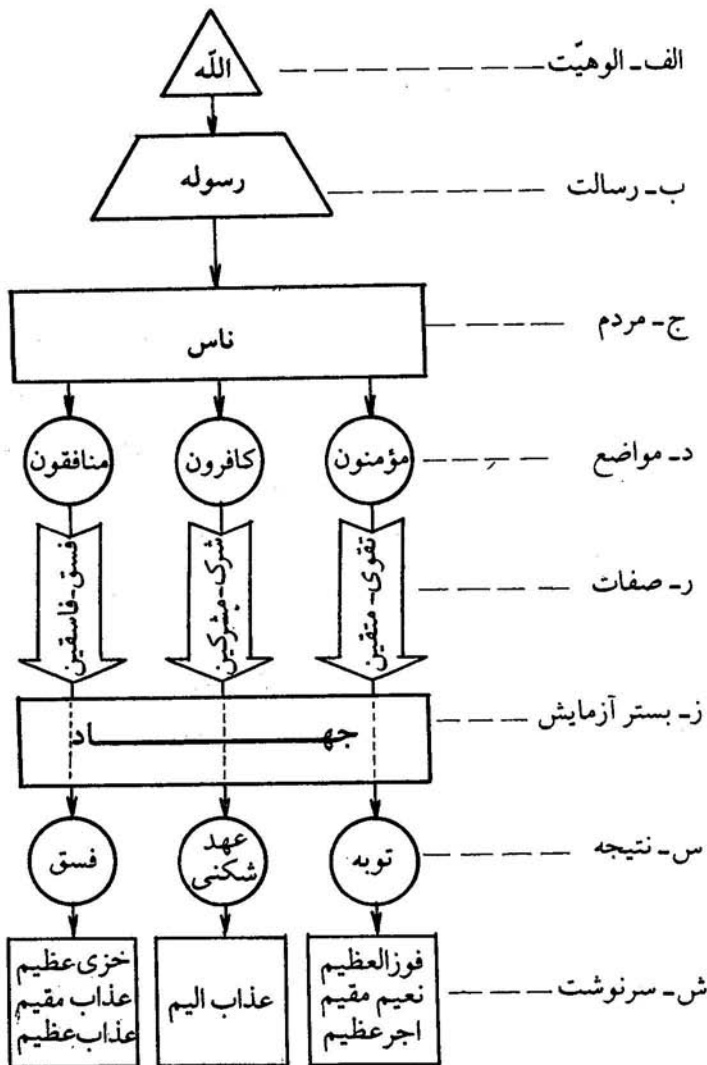
سوره توبه که به نامهای دیگری از قبیل «برائت» و «فاضح» نیز معروف شده^۱، در سالهای میانی دوران هجرت، یعنی در بحبوحه درگیری با دشمنان داخلی و خارجی نازل شده است، از یک طرف کفار و مشرکین با عهدشکنی و فتنه انگیزی، در برابر نهضت نوپای توحیدی موضع گرفته بودند و از طرف دیگر منافقین عصیانگر از داخل موجبات تضعیف جبهه خودی را فراهم می ساختند، بنابراین روح کلی سوره و سیاق آیات آن، مربوط به «مردم شناسی» یعنی تشریح و تبیین موضعگیری گروههای مختلف مردم در برابر «رسول» اکرم و پیام الهی او می باشد. تعدد گروهها و تنوع موضوعات و موضعگیریهای مربوط به آنها باعث شده که سوره ظاهری غیر یکنواخت و درهم پیدا کند، رنگها و تصاویر مختلفی به خود بگیرد، به طوری که حتی مفسر مطلع و مبرزی همچون علاوه طباطبائی را به ذکر این مطلب (در بیان خلاصه سوره) ناچار ساخته است که:

«آیات این سوره راجع به یک غرض نیست، و هر چه هم در پیرامون آن بحث شود غرض واحدی که مانند سایر سوره های قرآن آیاتش همه آن غرض را منظور داشته باشد به دست نمی آید (آری)، از سوره قرآن است که هر غرضی را که اوایل سوره در نظر دارد اواخر آن نیز همان غرض را می رساند، و سوره مورد بحث اینطور نیست»

اما با دقت بیشتری در آیات این سوره متوجه می شویم که نه تنها آیات اول و آخر

۱. برائت یعنی بیزاری و فاضحه یعنی بر ملا کننده فضاحت (منافقین).

(فهرست و نتیجه گیری) سوره همانند سایر سوره های بلند قرآن غرض واحدی را می رساند بلکه کل سوره سیاق واحدی داشته و از محور مشخص و مشترکی پیروی می نماید که نظم بسیار دقیق و ظریفی را میان آیات آن به سبک و سیستم خاص قرآن به نمایش می گذارد. برای بررسی محورهای مشترک و پایه های اصلی سوره ناچار هستیم آنها را جداگانه مورد مطالعه قرار دهیم. نمودار ذیل روابط و سلسله مراتب مسائل مطروحه در سوره را نشان می دهد.



نمودار محورهای اصلی مسائل مطروحه در سوره «توبه»

الف- الوهیت

نام جلاله «الله» ۱۶۹ بار در سوره توبه تکرار شده است که با توجه به تعداد کلمات این سوره (۲۴۹۷ کلمه) می توان گفت که حدوداً در هر ۱۵ کلمه آن یکبار نام «الله» آمده است. این نسبت فوق العاده نشان می دهد که موضوع «الوهیت» اصلی ترین محور مسائل مطروحه در سوره می باشد و اشراف این موضوع را بر سایر مسائل آن به خوبی نشان می دهد.

ب- رسالت

در این سوره ۲۶ بار کلمه «رسوله» تکرار شده است که این تعداد نزدیک به یک سوم کاربرد این کلمه در کل قرآن است (۸۴ بار)، در حالی که حجم سوره توبه حدود یک سی ام کل قرآن می باشد. ملاحظه می کنید نسبت به معدل متوسط، تعداد کاربرد این کلمه در سوره توبه ۱۰ برابر می باشد. البته سایر مشتقات کلمه «رَسَل» در سوره های دیگر قرآن بوفور آمده است، اما در ترکیب با ضمیر «ه» (رسوله) این سوره اختلاف فاحشی با سایر سوره ها دارد، به عنوان مثال در سوره های بقره و آل عمران که از سوره توبه نیز بلندتر هستند، تنها یک بار این کلمه به کار رفته است و سوره احزاب که بعد از سوره توبه از نظر کاربرد این کلمه در ردیف دوم قرار دارد، تنها شامل ۱۰ مورد تکرار این کلمه می باشد.

این آمار و ارقام نشان می دهد که موضوع «رسالت» از محورهای اصلی سوره می باشد. این سوره می خواهد نشان دهد گروه های مختلف مردم در برابر فرستاده خدا (رسوله) چه عکس العملی از خود بروز دادند.

علاوه بر آن، نکته بسیار ظریف و دقیقی که در این رابطه وجود دارد، ارتباط اولین آیه سوره (در رابطه با رسول الله) با دو آیه آخر سوره (باز هم در رابطه با رسول الله) می باشد. می دانیم اولین آیه هر سوره معمولاً خلاصه و فهرست مندرجات آن سوره محسوب می شود و آخرین آیه جمع بندی و نتیجه گیری سوره، اکنون به اولین و آخرین آیات سوره توبه توجه نمائید.

آیه اول:

بَرَاءةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

دو آیه آخر:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ
فَإِنْ تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

همانطور که ملاحظه می شود، کلمه «رسول» در ابتدا و انتهای سوره آمده است. با این تفاوت که در اولین آیه، رسالت او را با ضمیر «ه» به خدا مربوط می سازد و در آخرین آیات با

دلسوزی نسبت به آنها نشان می دهد.^۱

نکته جالب دیگر، اینکه در آخرین آیه بر «آزادی» و «اختیار» انسانها در تبعیت یا پشت کردن به رسول الله اشاره می کند و به رسول خود توصیه می نماید: «اگر پشت کردند اعلام کن خدا مرا بس است، خداوندی جز او نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است.»

«ج» و «د» و «ر» - نقش مردم (مواضع و صفات)

دومین محوری که در این سوره مطرح است، «نقش مردم» و موضعگیری و عملکرد آنها در برابر «رسول الله» (محور نخست) می باشد. این نکته را علاوه بر دقت در مضمون آیات، از طریق آماری نیز می توان دریافت. به طور خلاصه این سوره از سه گروه مشخص نام می برد:

۱- مؤمنون (متقین)

۲- کافرون (مشرکین)

۳- منافقون (فاسقین)

جالب این که نام هر یک از گروههای سه گانه فوق، همچنین صفت آنها (متقین، مشرکین، فاسقین) از نظر آماری در سوره توبه بیش از سایر سوره های قرآن به کار رفته است!

مؤمنون (۴ بار از ۳۵ بار) متقین (۵ بار از ۴۳ بار)

کافرون (۴ بار از ۳۶ بار) مشرکین (۹ بار از ۳۶ بار)

منافقون (۳ بار از ۸ بار) فاسقین (۴ بار از ۱۸ بار)

به این ترتیب این سوره از سه گروه مؤمن، کافر و منافق یاد می کند. علاوه بر آن، صفت و مشخصه هر کدام را نشان می دهد: صفت مؤمن را در تقوی، کافر را در شرک و منافق را در فسق (خروج از مقررات و حدود الهی) مشخص می نماید.

۱. ذکر این نکته مهم نیز آموزنده است که علاوه بر کلمه «رسوله»، تک تک مفردات اولین آیه نیز جایگاه ممتازی در قرآن دارند. به طوری که این کلمات از نظر آماری و تعداد کاربرد در کل قرآن مقام اول را دارند مثل:

۱-۱ «الله» - این کلمه ۱۶۹ بار در سوره تکرار شده است که به طور نسبی بسیار زیاد است و از نظر تعداد بعد از سوره نساء در ردیف دوم قرار دارد.

۱-۲ براءه - مشتقات این کلمه در این سوره بیشتر از سایر سوره ها به کار رفته است.

۱-۳ عاهدتم - مشتقات واژه «عهد» (در ارتباط با مردم نه خدا) در این سوره بالاترین رقم را دارد (۸ مرتبه).

۱-۴ مشرکین - در این سوره کلمه «مشرکین» ۹ بار تکرار شده که این تعداد یک چهارم کل قرآن می باشد و از همه سوره ها بیشتر است. بنابراین اولین آیه این سوره خلاصه ای از مهمترین مسائلی است که در این سوره به طور اختصاصی مطرح گشته است.

ز- میدان آزمایش

زمینه و بستر اصلی آزمایش گروههای سه گانه «جهاد» می باشد، در این سوره به طور کاملاً مشخص و واضحی موضع مؤمنین، منافقین و مشرکین را در برابر «جهاد» نشان می دهد، گوئی جهاد معیار و محک شناخت هر یک از این گروهها می باشد. قبل از توضیح بیشتر این مطلب لازم است یادآوری نمائیم که از نظر آماری نیز تعداد مشتقات این کلمه نشان می دهد محور اساسی و مهم دیگر این سوره «جهاد» می باشد. به طوری که بیش از یک چهارم تمامی مشتقات جهاد در قرآن، در این سوره قرار گرفته است (۱۱ بار از ۴۱ بار). این تعداد وقتی اهمیت خود را بیشتر نشان می دهد که بدانیم در هیچیک از سوره های قرآن بیش از ۳ بار این کلمه به کار نرفته است (سوره های انفال، نساء، عنکبوت، مائده).

علاوه بر جهاد، کلمه «قاتلوا» (فعل امر) ۴ بار در این سوره تکرار شده که بالاترین رقم را در قرآن دارد.

نکته مهمی که باید توجه داشت، این است که جهاد و قتالی که در این سوره توصیه شده منحصرأ در راه خدا می باشد. به طوری که کلمه سبیل در این سوره از نظر تعداد دفعات در قرآن (پس از سوره نساء) دوم است (۱۶ بار) و در ترکیب با الله (سبیل الله) مقام نخست را دارد (۱۲ مرتبه). جهاد فی سبیل الله، پیاده کردن نظام توحیدی در جامعه و تحقق بخشیدن به ارزشهای الهی در مجتمع اسلامی می باشد که درست در مقابل «سبیل الطاغوت» قرار دارد.

عملکرد مؤمنین واقعی در برابر «جهاد»، آنچنان که سوره نشان می دهد، اطاعت از فرمان رسول در خروج از شهر و دیار و هجرت می باشد. این گروه با جان و مال در راه خدا جهاد می کنند و تسلیم دستور الهی می باشند (آیات ۲۰ تا ۲۲ - ۴۴ - ۵۲ - ۷۱ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۲ - ۹۹ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۲۱ - عملکرد این گروه را به روشنی نشان می دهد).

مشرکین و کافرین که خود موضوع و هدف جهاد می باشند، در آیات مختلف این سوره، به خصوص آیات اولیه آن (۱ - ۳۷) مطرح شده اند، منظور از مشرکین و کافرین تنها بت پرستان شبه جزیره نیستند، بلکه در این سری آیات اهل کتاب را نیز به دلیل شرک و غلو در تشلیت و انحرافات احبار و رهبانیشان کافر و مشرک خوانده است. علاوه بر آن، منافقین را در موارد زیادی «کافر» خوانده و عمل آنها را کفر شمرده است. به این ترتیب «کفر» مورد نظر این سوره اختصاص به طبقه خاص ندارد و در معنای عام و وسیع کلمه به کار رفته است که در طیف وسیع خود مشمول «جهاد» می باشد و مؤمنین وظیفه دارند در تمامی

زمینه‌ها در برابر آن تلاش دفاعی نمایند.

اما عملکرد منافقین (به‌طور اخص) در برابر «جهاد» موضوع اصلی و عمده سوره می‌باشد و بیش از نیمی از آن به این مسئله اختصاص دارد. همانطور که گفته شد، منافقین در برابر جهاد مواضعی مثل: عذر و بهانه‌تراشی، اجازه‌خواهی برای عدم شرکت، سوگندهای دروغین برای توجیه کناره‌گیری خود، بازنشستن و قعود از جهاد، مخالفت با رسول در خروج از شهر و دیار برای حرکت به سوی دشمن، عدم مشارکت در مخارج جهادی (انفاق)، استهزاء و مسخره مؤمنین، ایرادگیری و درافتادن با رسول‌الله در سهمیه‌بندی و بسیج مردم و... اتخاذ نمودند.

آیات این قسمت طیف وسیعی از منافقین تمام عیار را که با باطنی کفرآلود و با فرصت‌طلبی ماسک اسلام به چهره زده‌اند، تا مسلمانان نیم‌بند سست عنصر بی‌اراده ضعیف‌الایمان را دربر می‌گیرد که به تناسب مورد با آنها برخورد شده است.

س- نتیجه

هر یک از گروه‌های سه‌گانه (مؤمن، کافر، منافق) در رابطه با «جهاد»، که «بستر آزمایش» به‌شمار می‌رود، عملکردهایی از خود بروز می‌دهند که به ترتیب عبارتند از:

مؤمن (با صفت تقوی) ← توبه

کافر (با صفت شرک) ← عهدشکنی

منافق (با صفت فسق) ← فسق

سه نامی که سوره به آن معروف شده است، هر کدام در رابطه با سه گروه فوق می‌باشد: نام «توبه» در رابطه با مؤمنین، نام «برائت» در رابطه با کافرین و نام «فاضحه» در رابطه با منافقین.

۱- توبه

در برابر دو صفت عمده فسق و پیمان‌شکنی دو گروه منافقین و مشرکین، صفت ممتازی در این سوره برای مؤمنین ذکر شده است که همان «توبه» می‌باشد. بی‌جهت نیست که این سوره توبه نامیده شده است. چرا که از محورهای ممتاز و مشخص آن همین بازگشت بندگان به خدا و خدا به بندگان می‌باشد. تعداد مشتقات کلمه «توبه» در این سوره به مراتب بیشتر از سایر سوره‌های قرآن می‌باشد (۱۷ مرتبه) و سوره بقره که از نظر آماری در ردیف دوم قرار دارد با حجم ۲/۵ برابر سوره توبه فقط شامل ۱۱ مورد می‌باشد.

توبه فقط شامل ۱۱ مورد می باشد.

برخلاف تصور عمومی، عمل «توبه» به گناهکاران اختصاص ندارد، بلکه صفت ممتاز مؤمنین شمرده می گردد. در آیات ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۰۴ - ۱۱۲ و ۲۷ این سوره از توبه مؤمنین به درگاه خدا و توبه خدا بر رسول و مؤمنین یاد می کند و اولین ویژگی مؤمن را در آیه ۱۱۲ «توبه» توصیف می نماید:

التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف والنهي عن المنكر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنين.

۲- پیمان شکنی

اگر صفت «فسق» به عنوان مهمترین خصلت منافقین معرفی شده، در مورد گروه دیگر یعنی کافران مشرک، پیمان شکنی آنها مورد انتقاد قرار گرفته است. بنابراین موضوع «عهد» به عنوان یکی از محورهای اصلی این سوره مطرح می باشد. قابل توجه است که مشتقات این کلمه مثل: عاهدتم، عاهد هم، عاهد ۸ بار در این سوره تکرار شده که پس از سوره بقره (۱۱) مرتبه) مقام دوم را دارد. با این تفاوت که در سوره بقره به عهد انسان با خدا توجه شده و در اینجا به عهد انسانها با یکدیگر (مؤمنین با مشرکین) و از این جهت سوره توبه در مقام نخست قرار دارد.

نکته ای که حائز اهمیت می باشد، این است که سختگیریهای این سوره درباره مشرکین، منحصرأ درباره پیمان شکنان این گروه می باشد و هرگز نمی توان آن را به بقیه مشرکین که به پیمان خود وفادار مانده یا بی طرف هستند، تسری داد. این سوره فقط درباره این دسته از مشرکین گفتگو و در روابط سیاسی و قراردادهای اجتماعی بحث می کند (برخلاف سوره انعام که مربوط به مشرکین به صورت عام و از دیدگاه نظریات و افکار و اعتقادات آنها می باشد).

۳- فسق

از گروههای سه گانه ذکر شده، «منافقین» بیشتر از همه در این سوره مطرح شده اند. به طوری که بیش از نصف سوره (حدود ۶۰٪) به توصیف این گروه و بیان خلیقات منفی و منحرفانه آنها اختصاص دارد. تعداد دفعاتی که مشتقات «نفاق» در این سوره به کار رفته (۱۱ بار) با اختلاف زیادی از سایر سوره های قرآن بیشتر است (قابل توجه است که در سوره منافقین که به نام این گروه اختصاص یافته تنها ۴ بار مشتقات نفاق به کار رفته است)،

کلمات: نفاق، منافقون و منافقات نیز از نظر آماری در این سوره بالاترین رقم را دارند. ویژگیهای اخلاقی این گروه نیز مانند: فسق، عذرتراشی، اجازه خواستن برای عدم شرکت در جهاد، سوگند خوردن برای جلب رضایت مؤمنین، عدم تفقه در مسائل، بازنشستن از جهاد (قعود)، مخالفت با رسول، عدم شرکت در مخارج جهادی و موارد دیگر از نظر تعداد کاربرد مشتقات به ترتیب ذیل در قرآن اول است.

فسق: این کلمه که جامع تمامی ویژگیهای منافقین است، ۷ بار به صورت فاسقون و فاسقین در این سوره به کار رفته که بالاترین رقم را در قرآن دارد. در تمامی موارد در این سوره صفت فاسق به منافقین نسبت داده شده است.

عذر- در مجموع ۴ بار مشتقات کلمه عذر در رابطه با منافقین در این سوره به کار رفته که یک سوم کل قرآن می باشد.

اذن- مشتقات این کلمه ۸ بار در این سوره به کار رفته است که بالاترین نسبت را در قرآن دارا می باشد.

حلف- (سوگند) بیش از نیمی از کاربرد این کلمه در قرآن به این سوره اختصاص دارد (۷ بار از ۱۳ بار).

عدم تفقه (اندیشه نکردن در امور) یک چهارم کل کاربرد کلمه تفقه در قرآن به صورت منفی (لایفقهون) در این سوره و در رابطه با منافقین آمده است.

قعود (باز نشستن از جهاد) حدود یک چهارم کل کاربرد قعود در این سوره می باشد (۸ بار از ۳۱ بار)

مخالفت. بارزترین ویژگی منافقین مخالفت با رسول در عدم شرکت در جهاد می باشد که مشتقات این کلمه ۸ بار در این سوره به کار رفته و بالاترین رقم را دارد.

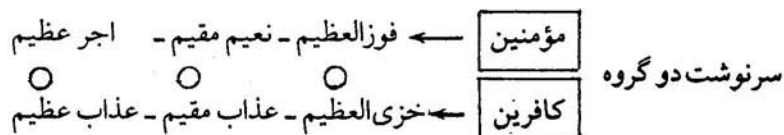
علاوه بر کلمات فوق، کلمات دیگری مانند «انفاق» (از جهت منفی - عدم شرکت در تأمین مخارج دفاعی) در این سوره بوفور به کار رفته است.

ش- سرنوشت ها

عملکرد سه گروه یاد شده، مسلماً بدون عارضه و عاقبت نمی باشد. کسانی که در «سبیل الله» گام برداشته و با تبعیت از رسول الله به هجرت و جهاد اقدام نموده اند، آنچنان که در سوره توصیف شده، به «فوز العظیم» نائل می شوند و کسانی که از راه او منحرف شده اند (اعم از کافر و مشرک و منافق) به «عذاب الیم» گرفتار می شوند. جالب این که هر دو سرنوشت یاد شده از نظر آماری و تعداد تکرار کلمات در این سوره بالاترین رقم را در کل

قرآن دارا می باشد. (فوز العظیم ۴ بار تکرار شده که ۱/۴ کل قرآن می باشد و عذاب الیم ۷ بار تکرار شده که ۶ بار آن ناظر به منافقین می باشد). مشتقات کلمه «عذاب» ۱۹ بار در این سوره تکرار شده که از تمامی سوره های قرآن بیشتر است (بقره هم ۱۹ می باشد) و به جز عذاب الیم به: عذاب عظیم، عذاب مقیم و عذاب من عنده هم اشاره شده است.

اما مؤمنین، به جز «فوز العظیم» به: اجر عظیم، نعیم مقیم، جناب النعیم، جنات عدن، جنات تجری من تحتها الانهار و... وعده داده شده اند (کلمه جنات به صورت جمع ۵ بار در این سوره تکرار شده که بالاترین رقم را دارد).



قرآن گروه کافران را اصحاب الجحیم معرفی می نماید که جایگاه و تحول نهائی آنها جهنم است: (ماواهم جهنم و بش المصیر - ماواهم جهنم جزاء بما كانوا یکسبون) و برای آنها ولی و نصیری وجود ندارد (مالهم من ولی ولانصیر). برعکس، جایگاه مؤمنین را در بهشت در جوار رحمت الهی قرار می دهد (سیدخلهم الله فی رحمته - اولئک سیر حمهم الله) و آنها را رستگاران (هم الفائزون - اولئک هم المفلحون) معرفی می نماید که برای آنها اجر نیکوئی است (لهم الخیرات - لیجزیهم الله احسن ما كانوا یعملون) و درجات عظیمی دارند (اعظم درجه).

نام های نیکوی الهی

علاوه بر «الله» که نسبت بسیار بالائی در این سوره از نظر آماری دارد، اسماء نیکوی دیگری در آن سوره آمده است که روح کلی سوره و محور مطالب آن را نمایان می سازد. از جمله صفت ترکیبی «علیم حکیم» در این سوره بیش از سایر سوره های قرآن به کار رفته است. این نکته آشکار می سازد که اولاً خداوند آگاه به جزئیات اعمال بندگان (سه گروه مورد نظر) می باشد. ثانیاً اختیاری که به مخالفین داده و بهشت و جهنم او مطابق حکمت و موافق صفت «حکیم» می باشد. (این ترکیب ۸ بار در سوره توبه تکرار شده است). صفت «رحیم» نیز ۹ بار تکرار شده که پس از سوره بقره بالاترین رقم را دارد (۵ بار غفور رحیم، ۲ بار ثواب رحیم و ۲ بار رؤف رحیم). وفور کاربرد کلمات: رحیم، غفور، ثواب، رؤف، نشان می دهد که سیمای این سوره بر خلاف آنچه معروف شده به «رحمت» نزدیکتر می باشد. همچنین صفت «عزیز» در ترکیب باحکیم «عزیز الحکیم»، ۲ مرتبه به کار رفته که توانائی خدا

را که آمیخته با حکمت می باشد در رفتار با بندگان نشان می دهد.
از دیگر اسماء نیکوی الهی که در این سوره آمده می توان به نامهای ذیل اشاره نمود:
قدیر، علام الغیوب، سمیع العلیم (۲ بار)، ثواب الرحیم (۲ بار)
و در مجموع:

الله ۱۶۹ بار	عزیز ۲ بار	سمیع ۲ بار
رحیم ۹ بار	ثواب ۲ بار	رب ۱ بار
غفور ۵ بار	رؤف ۲ بار	خبیر ۱ بار
علیم ۱۱ بار	قدیر ۱ بار	
حکیم ۸ بار	علام الغیوب ۱ بار	

نکته قابل توجه این است که نام «رب» فقط یکبار در این سوره آمده و در ترکیب با ضمایر نیز فقط یکبار (ربهم) و به صورت جمع نیز یکبار (ارباباً). این مطلب در مقایسه با سایر سوره های بلند قرآن بسیار عجیب است. یکباری هم که کلمه رب در این سوره آمده در رابطه با انسان نمی باشد (رب العرش العظیم).

آهنگ سوره

این سوره ۱۲۹ آیه دارد که درست ۲/۳ آن به عملکرد «انسان» و ۱/۳ بقیه (۴۳ آیه) به نامهای الهی و بهشت و جهنم او مربوط می باشد.

تمامی آیاتی که به عملکرد انسان مربوط می شود، به حرف «ن» ختم می شوند. مثل: یکسبون، مجرمین، قاعدین، مدبرین... و تمامی آیاتی که با حرف دیگری غیر از «ن» ختم می شوند به خدا مربوط می باشد: مثل:

از نامهای خدا: رحیم - حکیم - قدیر - نصیر - علام الغیوب - علیم - حلیم (استثنائاً درباره حضرت ابراهیم با تنوین «ن»)

از بهشت و جهنم او: عذاب الیم - اجر عظیم - نعیم مقیم - عذاب مقیم - خزی العظیم - فوز العظیم - اصحاب الجحیم - عرش العظیم.

از ۱۲۹ آیه، ۸۶ آیه آن با «ن» ختم می شود - ۳۸ آیه با «م» - ۳ آیه با «ر» و یک آیه با «ل»
اتفاقاً در سوره «مائده» نیز درست ۲/۳ آیات به عملکرد انسان و ۱/۳ آن به عملکرد خداوند مربوط می گردید (۸۰ آیه و ۴۰ آیه)

سال نزول

همه مفسرین این سوره را متعلق به دوران مدینه و حوالی جنگ تبوک می دانند، بر طبق جدول شماره ۱۵ کتاب «سیر تحول قرآن» این سوره از نظر سال نزول در سه گروه قرار گرفته است که در سالهای ۴ و ۷ و ۸ هجرت نازل شده اند.

گروه ۱ آیات ۱ ← ۳۷ موضوع اعلام جنگ به مشرکین سال نزول ۸ هجری
گروه ۲ آیات ۳۸ ← ۷۱ موضوع منافقین سال نزول ۴ هجری
گروه ۳ آیات ۷۲ ← ۱۳۰ موضوع مؤمنین، منافقین و کفار سال نزول ۷ هجری
همانطور که ملاحظه می شود مانند سایر سوره های قرآن ترتیب زمانی در قرار گرفتن آیات رعایت نشده و گویا عمداً این آرایش انجام گرفته است.

ارتباط سوره های توبه و یونس (۹ و ۱۰)

دو آیه آخر سوره توبه و دو آیه ابتدای سوره یونس وظیفه ارتباط و اتصال میان این دو سوره را به عهده گرفته اند. با یک نگاه گذرا به خوبی می توان دریافت که هر دو متن درباره پیامبر (ص) است، در سوره توبه خصوصیات آن حضرت را از نظر دلسوزی و غمخواری و عشق به سلامت و سعادت مردم بیان می کند و در سوره یونس انکار همان مردم را نسبت به کسی که جز خیرخواهی و لطف و محبت نظر دیگری به آنها ندارد، و ساحر نامیدن بشارت و انذار دهنده ای که مصلحت آنها را بهتر از خودشان تشخیص می دهد. و این دو ویژگی دقیقاً مقابل هم قرار گرفته است. در هر دو سوره او را از خود مردم و از جنس و جمع خودشان معرفی می نماید (لقد جائکم رسول من انفسکم - رجل منهم) تا آشنائی و انس و الفت و سوابق مصاحبت و معاشرت او را با کسانی که تکذیبش می کنند نشان دهد، چرا که اگر غریبه و بیگانه بود، انکار و عناد با او تا حدودی قابل توجیه بود.

در سوره توبه او را کسی معرفی می نماید که آنچه مردم را به رنج و سختی افکنده، یعنی فقر و جهل و گمراهی و شرک و... بر او سخت گران می آید و غمخوار و دلسوز و دردمند نسبت به مردم است و برای نجات آنها از گرفتاریهای دین و دنیا، حریص و هیجان زده (نه بیتفاوت و خونسرد) و نسبت به کسانی که ایمان آورده اند بسیار رثوف و مهربان است. علاوه بر آن، فرمان یافته است نسبت به کسانی که از خیرخواهی ها و نصایح او رومی گردانند، به جای اعتراض و دشنام و دشمنی، موضع دفاعی آزادمنشانه داشته به آنان اعلام نماید خدائی که جز او خدائی نیست برای من (نسبت به انکار و دشمنی و مکر شما) کفایت کننده است. بر او توکل کرده ام که همو پروردگار عرش عظیم (مدیر و رئیس و همه کاره عالم هستی) است
لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص بالمؤمنین رؤف رحیم.

فان تولوا فقل حسبى الله لا اله الا هو عليه توكلت و هو رب العرش العظيم.
 در سوره یونس شگفتی و تعجب کافران را از این که یک بشر عادی از میان خودشان
 مخاطب وحی الهی قرار گرفته و مأموریت انذار و بشارت^۱ یافته، بیان می نماید و قضاوت
 مؤکد آنها را که چنین شخصی حتماً ساحر آشکاری است نشان می دهد:^۲
 اكان للناس عجباً ان اوحينا الى رجل منهم ان انذر الناس و بشر الذين امنوا ان لهم قدم
 صدق عند ربهم و قال الكافرون ان هذا الساحر مبين.
 در جهان بینی مشرکین از آنجائی که فرشتگان نقش واسطه میان خالق و انسانها را ایفا
 می نمودند، امکان ارتباط مستقیم بنده با خالق (همانند ملاقات یک روستائی با پادشاه)^۳
 محال می نمود. اما در جهان بینی توحیدی خدا از رگ گردن به انسان نزدیکتر بوده واسطه‌ای
 درکار نمی باشد.

۱. جمله «ان هذا الساحر مبين» به صورت عادی «هذا ساحر» می باشد که سه بار مورد تأکید و تصریح با ان، لام (ساحر) و مبين قرار گرفته است.

۲. در مورد «انذار» مسئله باجمال بر گزار شده، فقط «ان انذر الناس» گفته شده و صحبتی از عذاب و عقوبتی که به آن انذار داده می شود نشده است. اما در مورد بشارت، از آنجائی که جهات مثبت مسئله و خیر خواهی پیامبر مورد نظر است، تفصیل بیشتری با جمله «و بشر الذين آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم» داده شده است.